

## ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین (۱)

### چکیده

اسرائیل در ۱۴ آوریل ۲۰۰۲م. تصمیم گرفت شبکه‌ای از دیوار و موانعی موسوم به «دیوار حائل» را در کرانه باختری رود اردن ایجاد کند. با توجه به آثار و تبعات انسانی، اجتماعی و اقتصادی آن برای مردم فلسطین، مجمع عمومی سازمان ملل در دسامبر ۲۰۰۳م. از «دیوان بین‌المللی دادگستری» تقاضا کرد که درباره آثار و پیامدهای ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین نظر مشورتی خود را ارائه کند. رأی مشورتی دیوان در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴م. صادر شد. این مقاله در صدد است که بر اساس رأی مشورتی دیوان، ساخت دیوار حائل را از دیدگاه منشور ملل متحد، قطعنامه‌های سازمان ملل، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر ارزیابی کند و سپس آثار و پیامدهای حقوقی مترتب بر نقض حقوق بین‌الملل ناشی از ساخت دیوار حائل را که دیوان برای اسرائیل، دولتهای ثالث و سازمان ملل متحد اعلام می‌کند، تبیین کند.

### مقدمه

#### یک. تاریخچه و مشخصات دیوار حائل

از سال ۱۹۹۶م. اسرائیل طرحهایی را برای جلوگیری از نفوذ مبارزان فلسطینی از ناحیه کرانه باختری رود اردن بررسی می‌کرد. در پی افزایش عملیات استشهادی مبارزان فلسطینی، شورای وزیران اسرائیل در ۱۴ آوریل ۲۰۰۲م. تصمیم گرفت شبکه‌ای از دیوار و موانعی را در کرانه باختری رود اردن ایجاد کند که از آن به «دیوار حائل» تعبیر می‌شود.

اسرائیل در توجیه تصمیم خود مبنی بر ساخت دیوار حائل ادعا می کند که این دیوار یک اقدام امنیتی است و نه یک مرز سیاسی (تصمیم ۲۰۷۷ شورای وزیران اسرائیل، ۲۳ ژوئن ۲۰۰۲م. به نقل از گزارش دبیر کل، ص ۴). اول اکتبر ۲۰۰۳م. شورای وزیران اسرائیل در تصمیم ۸۸۳ خود حدود کامل دیوار حائل را تصویب کرد. بر اساس مدارک وزارت دفاع اسرائیل حدود پیش بینی شده دیوار یک خط ممتدی به مسافت ۷۲۰ کیلومتر به موازات کرانه باختری رود اردن خواهد بود. بر اساس مدارکی که وزارت دفاع اسرائیل منتشر کرده است، دیوار حائل از بخشهای زیر تشکیل شده است: یک محوطه مجهز به دستگاههای هشداردهنده الکترونیکی برای کنترل کامل ورود و خروج از آن؛ یک گودالی به عمق چهار متر؛ جاده بازرسی آسفالتی دوبانده؛ جاده ردیابی به موازات محوطه دستگاههای هشداردهنده؛ شش ردیف سیم خاردار روی هم چیده شده که محیط تأسیسات را در بر می گیرد. این شبکه از موانع مختلف به طور متوسط ۵۰-۷۰ متر عرض دارد که در بعضی مناطق به ۱۰۰ متر می رسد (گزارش دبیر کل، بند ۹).

بر اساس گزارش دبیر کل سازمان ملل در باره دیوار حائل، سیستمهای متعدد نظارت به موازات محوطه نصب شده است که ظاهراً عبارت اند از دوربین و آینه های متعدد؛ دیوارهای بتونی به طول ۸/۵ کیلومتر عمدتاً در مجاورت اردوگاههای فلسطینیان، به طور مثال در نزدیکی شهر طولکرم و بعضی قسمتهای بیت المقدس پیش بینی یا ساخته شده است. در بعضی از قسمتها، دیوار حائل حدود ۷/۵ کیلومتر از خط سبز [۱] فاصله می گیرد

تا شهرکهای یهودی‌نشین را در بر بگیرد؛ در حالی که اردوگاههای فلسطینیان را به محاصره در می‌آورد. نقشه ترسیمی دیوار حائل قریب ۲۳۰,۰۰۰ یهودی شهرک‌نشین را که ۱۷۸,۰۰۰ نفر آنها در بیت‌المقدس شرقی زندگی می‌کنند، در بر می‌گیرد (گزارش دبیر کل، ص ۵). بر اساس نقشه رسمی دیوار، حدود ۹۷۵ کیلومتر مربع (۱۶/۶ درصد از مساحت کرانه باختری) در بین دیوار حائل و خط سبز قرار خواهد گرفت (گزارش دبیر کل، ص ۴).

دو. تبعات ساخت دیوار حائل برای مردم فلسطین

مصادره زمینهای فلسطینیان برای احداث دیوار: زمینهایی که برای ساخت دیوار حائل تصاحب شده است، در کرانه باختری رود اردن به موجب بخشنامه‌های نظامی و یا در منطقه بیت‌المقدس توسط وزارت دفاع مصادره شده است. در اسرائیل این بخشنامه‌ها از روزی که امضاء می‌شوند و حتی اگر به مالکان اموال مصادره‌شده شخصاً ابلاغ نشده باشند، معتبر تلقی می‌شوند. مالکان یک یا دو هفته از زمان امضاء فرصت دارند که در برابر کارگروه صلاحیت‌دار اعتراض کنند و نیز می‌توانند از دیوان عالی اسرائیل تقاضای تجدیدنظر نمایند. بیش از ۴۰۰ شکواییه به دادگاه بدوی و ۱۵ تقاضای تجدیدنظر به دیوان عالی از سوی خانواده‌ها یا تمامی روستاها ارائه شده است (گزارش دبیر کل، بندهای ۱۷-۱۸).

ایجاد مناطق محصور: مناطق محصور به مناطق مابین دیوار حائل و خط سبز گفته می شود. تقریباً ۲۳۷,۰۰۰ فلسطینی در این مناطق زندگی می کنند. اگر دیوار حائل به صورتی که پیش بینی شده است، ساخته شود، ۱۶۰,۰۰۰ فلسطینی دیگر در مناطق محصور، یعنی مناطقی که در آن اردوگاهها کاملاً به محاصره در می آیند، زندگی خواهند کرد. اسرائیل برای تردد به این «مناطق محصور» مجوز یا کارت شناسایی را الزامی کرده است. از این پس ساکنان مناطق محصور برای اقامت در آنجا باید مجوز کسب کنند و کارت شناسایی داشته باشند و افراد غیر ساکن بدون مجوز حق ورود به آنجا را ندارند. حتی اشخاصی که مجوز یا کارت شناسایی داشته باشند، برای ورود و خروج به این مناطق باید طبق زمان بندی خاصی که اکنون سه بار و هر بار ۱۵ دقیقه است، مراجعه کنند. طبیعی است اگر افراد نتوانند در محل کار خود به موقع حضور پیدا کنند، ناگزیر به مهاجرت از این مناطق خواهند شد.

آثار انسانی، اجتماعی و اقتصادی ساخت دیوار: به محاصره در آوردن فلسطینیان از هر طرف و ایجاد شبکه ای از پستهای کنترل و موانع متعدد آزادی تردد آنها را به شدت کاهش می دهد و اطمات شدید اقتصادی - اجتماعی به دنبال دارد. طبق گزارش اداره مرکزی آمار فلسطین دیوار حائل تا کنون ۳۰ روستا را از خدمات بهداشتی، ۲۲ روستا را از مؤسسات آموزشی، ۸ روستا را از منابع اولیه آب و ۳ روستا را از شبکه برق محروم کرده است (گزارش دبیر کل، بند ۲۳). بر اساس گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بشر در

مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی «شهر قلقلیا با چهل هزار نفر جمعیت، کاملاً به وسیله دیوار به محاصره در آمده است و ساکنان آن نمی توانند به شهر وارد یا خارج شوند مگر از یک پست کنترل نظامی که فقط از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب باز است» [۲].

سه. رأی مشورتی دیوان بین المللی دادگستری

دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ م. تصمیم مجمع عمومی مبنی بر تقاضای صدور فوری رأی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری به موجب ماده ۶۵ اساس نامه، دیوان را که در دهمین نشست فوق العاده مجمع اتخاذ شده بود ( A/RES/ES-10/14

2003))، به دیوان اعلام کرد. سؤالی که از دیوان شد، به قرار زیر بود:

«بر اساس آنچه که در گزارش دبیر کل بیان شده است و با توجه به قواعد و اصول حقوق بین الملل، به ویژه کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ م. و قطعنامه های شورای امنیت و مجمع عمومی در این زمینه، آثار و پیامدهای حقوقی ساخت دیواری که اسرائیل، قدرت اشغالگر، در سرزمینهای اشغالی فلسطین، از جمله در داخل و پیرامون بیت المقدس شرقی در حال احداث آن است، چیست؟»

دیوان ابتدائاً به ایرادات صلاحیتی که اسرائیل مطرح کرده بود، پاسخ داد و به اتفاق آرای قضات، صلاحیت خود را برای پاسخ به تقاضای صدور رأی مشورتی احراز و رأی

مشورتی خود را در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴م. صادر کرد. مجمع عمومی سازمان ملل نیز در ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴م. رأی مشورتی دیوان را تصویب کرد (A/RES/ES-10/15). متن رأی مشورتی دیوان، به غیر از مواردی که مربوط به صلاحیت آن و پذیرفتنی بودن تقاضاست، به قرار زیر است:

الف. ساخت دیواری که اسرائیل، قدرت اشغالگر، در حال احداث آن در سرزمینهای اشغالی فلسطین از جمله در داخل و اطراف بیت المقدس شرقی است و ترتیبات (حقوقی و اداری) مربوط به آن بر خلاف حقوق بین الملل است؛

ب. اسرائیل موظف است به موارد نقض حقوق بین الملل خاتمه دهد؛ بی درنگ عملیات احداث دیواری را که در حال ساخت آن در سرزمینهای اشغالی فلسطین، از جمله در داخل و اطراف بیت المقدس شرقی، است، متوقف کند، بی درنگ سازه‌های مربوط را در این سرزمین تخریب کند و بلافاصله تمام قوانین و مقررات مربوط به آن را لغو و یا به حالت تعلیق درآورد؛

ج. اسرائیل موظف است تمامی خسارات وارد شده ناشی از ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی فلسطین، از جمله در داخل و اطراف بیت المقدس شرقی را جبران کند؛

د. تمامی کشورها موظف‌اند وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار را به رسمیت نشناخته و برای حفظ وضعیت ایجادشده در اثر ساخت دیوار هیچ کمک و مساعدتی

نکنند؛ به علاوه تمام کشورهای عضو کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ، مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹م. متعهدند ضمن احترام به منشور ملل متحد و حقوق بین الملل، اسرئیل را به رعایت حقوق بین الملل بشردوستانه مندرج در این کنوانسیون وادار کنند؛

و. سازمان ملل متحد و به ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت باید با توجه به رأی مشورتی حاضر، بررسی کنند که به منظور پایان دادن به وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار و ترتیبات (حقوقی و اداری) مربوط به آن، چه اقدامات تازه‌ای باید اتخاذ شود.»

۱. ساخت دیوار حائل از دیدگاه حقوق بین الملل

دیوان بین المللی دادگستری ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین را از سه منظر ارزیابی می کند:

۱-۱. ساخت دیوار حائل از منظر اصول منشور ملل متحد و قطعنامه‌های سازمان ملل

۱-۱-۱. ساخت دیوار حائل و حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین

پس از پایان جنگ اول جهانی برای اداره سرزمینهای جداشده از امپراطوری عثمانی

تدبیری اندیشیده شد که به نظام نمایندگی (mandate system) معروف شد. ماده ۲۲

میثاق جامعه ملل اصول کلی آن را بیان کرده است. [۳] در بند ۴ ماده ۲۲ میثاق در مورد

سرزمینهای مزبور نظام نمایندگی نوع «الف» پیش‌بینی شده بود که طبق آن ساکنان این

سرزمینها به درجه‌ای از ترقی و پیشرفت نایل آمده بودند که می‌توان آنها را به طور موقت

به عنوان یک «ملت مستقل» به رسمیت شناخت؛ [۴] بنابراین، دولت نماینده یا مستشار صرفاً حق مشاوره و راهنمایی در مورد اداره این سرزمینها داشت تا زمانی که ساکنان آنها توانایی اداره آن را به طور مستقل کسب کنند. [۵]

دیوان به منظور تأیید و تأکید بر حق تعیین سرنوشت مردم سرزمینهای غیر خودمختار به رویه قضایی خود استناد می‌کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۸۸). دیوان در رأی مشورتی خود در سال ۱۹۷۱م. راجع به حضور افریقای جنوبی در نامیبیا اظهار کرد که تحولات به وجود آمده در «حقوق بین الملل در باره سرزمینهای غیر خودمختار، آن گونه که منشور بدان صحنه گذاشته است، خودمختاری و حق تعیین سرنوشت را به یک اصل قابل اجرا در

همه این سرزمینها تبدیل کرده است». دیوان در همان رأی اضافه کرد که به موجب این تحولات تردیدی نیست که هدف نهایی از «وظیفه مقدس (تمدن)» که در بند ۱ ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل آمده است، «خودمختاری مردمان ذینفع» بوده است» ( CIJ. Rec. 1971, pp. 31-32, par. 52-53). دیوان این اصل را به دفعات زیاد در رویه قضایی

خود از جمله در قضیه صحرای غربی مورد استناد قرار داده است. دیوان حتی تصریح می‌کند که امروزه حق تعیین سرنوشت یک اصل لازم‌الرعايه برای همه دولتهاست ( erga omnes) (رأی مشورتی دیوان، بند ۸۸).

از سوی دیگر، دیوان برای از بین بردن هر گونه تردیدی در باره حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین به مذاکرات فیما بین اسرائیل و فلسطین استناد می‌کند. دیوان خاطر نشان می‌کند



که در مورد وجود «ملت فلسطین» دیگر جای بحث و مناقشه نیست و اسرائیل خود در سپتامبر ۱۹۹۳م. در مکاتبه با یاسر عرفات، رئیس فقید ساف، وجود این ملت را به رسمیت شناخته است. در موافقت‌نامه‌های بعدی در باره کرانه باختری و نوار غزه نیز به دفعات متعدد ملت فلسطین و «حقوق مشروع» آن ذکر شده است و از جمله این حقوق، حق تعیین سرنوشت است (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۱۸). دیوان معتقد است که ساخت دیوار موجب تغییر در ترکیب جمعیتی سرزمینهای اشغالی شده و باعث کوچ اجباری فلسطینیان خواهد شد و این امر حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین را نقض می‌کند و بر خلاف تعهدات بین‌المللی، اسرائیل به عنوان یک قدرت اشغالگر است (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۲).

۱-۲. ساخت دیوار حائل و ممنوعیت تصرف اراضی با تهدید یا توسل به زور

ممنوعیت تصرف سرزمین و اشغال نظامی یک اصل مسلم و انکارناپذیر حقوق بین‌الملل است که نتیجه اصل عدم توسل به زور مقرر در منشور ملل متحد است. این اصل بنیادین در «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان کشورها» (۱۹۷۰م.) و نیز در قطعنامه تعریف تجاوز (۱۹۷۴م.) [۶] تأکید شده است.

دیوان به رأی خود در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه و علیه آن اشاره کرده و اعلام می‌کند که اصل عدم توسل به زور به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است و غیرقانونی بودن تصرف اراضی با تهدید یا استفاده از زور نیز از چنین

موقعیتی برخوردار است (رأی مشورتی دیوان، بند ۸۷). دیوان همچنین به قطعنامه‌های سازمان ملل در محکومیت اشغال و اکتساب سرزمین با توسل به زور اشاره می‌کند. پس از جنگ شش‌روزه اعراب و اسرائیل، شورای امنیت در ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷م. به اتفاق آرا قطعنامه ۲۴۲ را تصویب و از اسرائیل درخواست کرد که «نیروهای نظامی خود را از سرزمین‌هایی که در درگیری‌های اخیر اشغال کرده است، خارج سازد». شورای امنیت به دفعات زیاد در باره اقدامات متعدد غیرقانونی اسرائیل برای تغییر وضعیت شهر بیت‌المقدس و اکنش نشان داد و اصل غیرقابل قبول بودن اکتساب سرزمین از طریق اشغال نظامی را یادآوری کرده است (برای مثال قطعنامه ۲۹۸، ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۱م.).

البته اسرائیل ادعا کرده است که دیوار حائل یک دیوار موقتی و امنیتی است و این کشور قصد انضمام بخشی از سرزمین‌های اشغالی را ندارد. با این وجود، دیوار حائل به تعبیری دقیق‌تر، دیوار الحاق بخشی از سرزمین‌های اشغالی است که عملاً مناطقی را به اسرائیل ضمیمه می‌کند. دیوان در نظر مشورتی خود نگرانی‌های خود را از دائمی شدن آن چنین اظهار می‌کند: ساخت این دیوار یک وضعیت بالفعلی را ایجاد کرده و فلسطینیان را در مقابل عمل انجام‌شده‌ای قرار خواهد داد؛ بنابراین، ساخت دیوار حق حاکمیت مردم فلسطین را بر بخشی از اراضی خود نقض می‌کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۱). دیوان با اشاره به محکومیت اقدامات اسرائیل توسط شورای امنیت نتیجه می‌گیرد که شهرک‌های یهودی‌نشین بر خلاف اصول و قواعد حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند (رأی مشورتی دیوان،

بند ۱۲۰) و ساخت دیوار یک «عمل انجام شده برگشت ناپذیری» را ایجاد کرده و حالت دائمی به خود خواهد گرفت.

۲-۱. ساخت دیوار حائل و حقوق بین الملل بشردوستانه

حقوق بین الملل بشردوستانه شامل مجموعه قواعد و مقرراتی است که به هنگام مخاصمات مسلحانه بین المللی و نیز در دوران اشغال نظامی قابلیت اجرایی پیدا می کنند. قبل از بررسی ساخت دیوار حائل از دیدگاه حقوق بشردوستانه، باید دید اصولاً سرزمین فلسطین، سرزمین اشغالی و اسرائیل قدرت اشغالگر محسوب می شود؟

۱-۲-۱. قابل اجرا بودن حقوق بین الملل بشردوستانه در سرزمین اشغالی فلسطین

۱-۲-۱-۱. قابل اجرا بودن کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷م.

اسرائیل عضو کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷م. نیست اما مقررات این کنوانسیون به قواعد عرفی تبدیل شده اند. همه دولتها از جمله اسرائیل نسبت به تعهدات مندرج در آن ملتزم هستند. دیوان در رد ادعای اسرائیل مبنی بر اشغالی نبودن سرزمین فلسطین به ماده ۴۲ این کنوانسیون استناد می کند. این ماده مقرر می کند:

«یک سرزمین هنگامی که تحت اشغال و حاکمیت ارتش دشمن قرار بگیرد، سرزمین اشغالی محسوب می گردد...».

سرزمینهای واقع مابین خط سبز و مرز شرقی سابق فلسطین، در سال ۱۹۶۷م. به اشغال اسرائیل درآمد؛ بنابراین، طبق حقوق بین الملل عرفی این سرزمینها اشغالی محسوب

می شود و حوادثی که از آن زمان در فلسطین به وقوع پیوسته است، این وضعیت را به هیچ وجه تغییر نداده‌اند (رأی مشورتی دیوان، بند ۷۸).

۱-۲-۱. قابل اجرا بودن کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ م.

کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ م. از جمله کنوانسیون چهارم در ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۱ م.

توسط اسرائیل بدون قید و شرط تصویب شده است. اما اسرائیل ادعا می کند از آنجا که

فلسطین در زمان اشغال نظامی تحت حاکمیت هیچ کشوری نبود، تحت «مدیریت» اسرائیل

قرار دارد و نمی تواند سرزمین یک دولت متعاهد کنوانسیونهای ژنو تلقی شود (گزارش

دبیر کل، پیوست ۱)؛ بنابراین، حقوق بین الملل بشردوستانه در مورد رفتار اسرائیل در

فلسطین قابل استناد نیست. اسرائیل برای این ادعای خود به ماده ۲ مشترک کنوانسیونهای

چهارگانه ژنو، به ویژه بند ۲ این ماده استناد می کند. [۷]

اما باید خاطر نشان ساخت که یکی از عناصر اصلی اشغال نظامی عدم تعلق سرزمین

اشغالی به قدرت اشغالگر است (سید قاسم زمانی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). دیوان در پاسخ به ادعای

اسرائیل استدلالهای متعددی ارائه می کند: اولاً، اسرائیل در مناسبتهای مختلف کنوانسیون

چهارم ژنورا در مورد سرزمینهای فلسطینی اجرا کرده است. [۸] همچنین، دیوان عالی

اسرائیل در رأی ۳۰ مه ۲۰۰۴ م. خود کنوانسیون چهارم ژنو را در فلسطین قابل اجرا اعلام

کرده؛ [۹] ثانیاً، دیوان به بند اول ماده ۲ مشترک کنوانسیونهای ژنو استناد کرده [۱۰] اعلام

می کند که بند اول این ماده به دو شرط قابل اجراست: وجود یک مخاصمه مسلحانه و

وقوع درگیری نظامی بین دو یا چند دولت متعاقد. [۱۱] دیوان با ارائه استدلالهای مختلف در رد ادعای اسرائیل، این گونه نتیجه گیری می کند:

«دیوان معتقد است که کنوانسیون چهارم ژنو در تمامی سرزمینهای اشغالی به دنبال وقوع مخاصمه مسلحانه بین دو یا چند دول متعاقد قابل اجراست. اسرائیل و اردن در آغاز مخاصمانه ۱۹۶۷م. عضو این کنوانسیون بودند؛ بنابراین، کنوانسیون مزبور در سرزمینهای اشغالی فلسطین که قبل از جنگ در سمت شرقی خط سبز قرار داشت و در جریان این جنگ به اشغال اسرائیل درآمد، قابل اجراست، بدون اینکه نیازی باشد در مورد وضعیت دقیق این سرزمین در گذشته تحقیق و بررسی به عمل آید» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۰۱).

#### ۱-۲-۲. ساخت دیوار حائل و نقض حقوق بین الملل بشردوستانه

اشغال نظامی سرزمینهای دیگران در هر شرایطی غیرقانونی است و «به هیچ وجه موجب تغییر و یا سلب حاکمیت کشور اشغال شده نمی شود» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۰). در دوران اشغال نظامی قدرت اشغالگر صرفاً به منظور برقراری نظم و امنیت در سرزمین اشغالی و تأمین امنیت نیروهای نظامی خود از برخی صلاحیتها برای اداره امور برخوردار می شود.

#### ۱-۲-۲-۱. ساخت دیوار حائل و نقض مقررات عهدنامه ۱۹۰۷م. لاهه

دیوان برای ارزیابی رفتار و اقدامات اسرائیل در فلسطین به مواد ۴۳، ۴۶، ۵۲ و ۵۵ عهدنامه ۱۹۰۷م. لاهه در مورد جنگ زمینی استناد کرده است (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۴). به

موجب ماده ۴۳، قدرت اشغالگر می تواند برای حفظ نظم عمومی و با رعایت قوانین جاری در سرزمین اشغالی، اقدامات ضروری اتخاذ کند. لکن «مقامات اشغالگر فقط می توانند به وضع مقرراتی پردازند که مستقیماً برای ملاحظات امنیتی آنها یا حفظ نظم عمومی منطقه

ضروری باشد» (Gasser, 1975, pp. 246, 256 به نقل از سید قاسم زمانی، ۱۳۸۱،

ص ۳۹). یکی از قواعد اساسی عهدنامه لاهه در مورد سرزمینهای اشغالی، حمایت از

حرمت اموال خصوصی و ممنوعیت غارت و انهدام آنهاست. تعهد قدرت اشغالگر به

حفظ حرمت اموال خصوصی باصراحت در ماده ۴۶ مقررات لاهه توجه شده است:

«قدرت اشغالگر باید به مالکیت خصوصی در سرزمینهای اشغالی احترام بگذارد. از این

رو، انهدام اموال خصوصی بدون ضرورت مبرم نظامی، یا در صورتی که صرفاً در جهت

هدفهای انتقام جویانه یا خسارت بار به دشمن باشد، ممنوع است.»

سرائیل برای احداث دیوار حائل، دهها هکتار از زمینهای کشاورزی، باغهای میوه و زیتون

کشاورزان را مصادره و تخریب کرده است. البته در موارد استثنایی مصادره اموال

خصوصی به شرط پرداخت غرامت به مالکان آنها امکان پذیر است. [۱۲] و سرانجام، ماده

۵۵ عهدنامه لاهه قدرت اشغالگر را از تغییر ویژگی و ماهیت اموال عمومی منع می کند،

«مگر اینکه به دلایل امنیتی یا برای منفعت ساکنان سرزمین اشغالی ضروری باشد». ساخت

دیوار حائل که با تخریب و انهدام و مصادره اموال فلسطینیان همراه است، نه تنها امتیاز یا

نفعی را برای مردم فلسطین به دنبال ندارد بلکه آثار و تبعات مصیبت بار آن زندگی فلسطینیان را در کرانه باختری مختل کرده است. اسرائیل می تواند برای تأمین امنیت خود و کنترل ورود و خروج بیگانگان به قلمرو اختصاصی خود هر گونه مانعی ایجاد کند اما حق ندارد در سرزمینهای اشغالی فلسطین به بهانه حفظ امنیت شهرک نشینان دیوار حائل ایجاد کند؛ زیرا تأسیس این شهرکها خود نقض فاحش حقوق بین الملل بشردوستانه تلقی می شود که بارها توسط سازمان ملل محکوم شده است. دیوان نیز در بند ۱۲۴ رأی مشورتی خود احداث دیوار حائل را نقض موازین عهدنامه لاهه ۱۹۰۷م. اعلام می کند.

۱-۲-۲. نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹م. و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷م. ساخت دیوار حائل و ترتیبات مربوط به آن که با تخریب و انهدام اموال خصوصی و عمومی فلسطینیان در سطح وسیع همراه است، با مواد ۲۷، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۵۹، ۶۴، و ۱۴۷ چهارمین کنوانسیون ژنو مغایر است. دیوان به صراحت نقض مقررات کنوانسیون چهارم ژنو توسط اسرائیل را در سرزمینهای اشغالی اعلام می کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۵). مطابق ماده ۲۷ این کنوانسیون، شرافت، حقوق خانوادگی، اعتقادات و اعمال مذهبی، عادات و رسوم اشخاص تحت حمایت از هر گونه تعرض قدرت اشغالگر مصون است و باید در هر زمان با آنان به طور انسانی رفتار شود. کمیته بین المللی صلیب سرخ در تفسیر

ماده ۲۷ اعلام می کند که نباید به آزادی شخصی غیرنظامیان در سرزمینهای اشغالی لطمه وارد شود و حتی اگر قدرت اشغالگر اقداماتی را برای تأمین امنیت نیروهای نظامی خود اتخاذ کند، این اقدامات نباید حقوق اساسی غیرنظامیان را تزییع کند ( Amnesty International, 2004).

اسرائیل با احداث موانع متعدد در داخل اراضی اشغالی محدودیتهای تبعیض آمیز و بی سابقه‌ای را برای تردد فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی ایجاد کرده است و آنان را از دسترسی به زمینهای کشاورزی خود، دسترسی به مؤسسات آموزشی، بهداشتی، حق برخورداری از سطح مناسب زندگی، از آزادی تردد در سرزمینهای اشغالی محروم کرده است. دیوان به نقشه ساخت دیوار حائل توجه خاص کرده و اظهار می دارد که نقشه ساخت دیوار به گونه‌ای ترسیم شده است که بخش اعظم (بیش از ۵۰) شهرکهای یهودی نشین را که در سرزمینهای اشغالی، از جمله بیت المقدس شرقی ایجاد شده‌اند، دربر بگیرد. اما این شهرکها به صورت غیرقانونی و مغایر با حقوق بشر دوستانه به ویژه بند ۶ ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ساخته شده‌اند (رأی مشورتی دیوان، بندهای ۱۱۹-۱۲۰). مطابق با این بند از ماده ۴۹: «قدرت اشغالگر نمی تواند بخشی از جمعیت غیرنظامی خود را به سرزمین اشغالی منتقل کند».

ساخت دیوار حائل در سمت شرق خط سبز و در داخل سرزمین اشغالی فلسطین برای محافظت از شهرکهای غیرقانونی صورت می گیرد و بدین منظور اموال فلسطینیان به



صورت غیرقانونی مصادره و تخریب می شود. جامعه بین المللی از مدتها قبل غیرقانونی بودن شهرک سازی در سرزمینهای اشغالی را محکوم کرده است. شورای امنیت در قطعنامه ۴۶۵ (۱۹۸۰م). مصرانه از اسرائیل می خواهد که «شهرکهای یهودی نشین را تخریب کرده و به ویژه فوراً استقرار، ساخت و طراحی شهرکها را در سرزمینهای عربی اشغالی از سال ۱۹۶۷م، از جمله بیت المقدس شرقی، را متوقف کند».

۳-۱. ساخت دیوار حائل و حقوق بین الملل بشر  
در باره رفتار اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بین الملل بشر دو موضوع در رأی مشورتی دیوان مورد توجه قرار گرفته است: ارتباط بین حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل بشر و قابل اجرا بودن اسناد حقوق بشر در فلسطین.

۱-۳-۱. ارتباط بین حقوق بین الملل بشردوستانه و حقوق بین الملل بشر  
برخی معتقدند حقوق بین الملل بشر به منظور حمایت از حقوق نوع انسان در زمان صلح تدوین و توسعه یافته است و حقوق بین الملل بشردوستانه به عنوان قواعد خاص بر روابط متخاصمان و نیز روابط طرفین مخاصمه با اتباع نظامی و غیرنظامی طرف دیگر در زمان درگیری نظامی حکومت می کند. اما حقیقت این است که حقوق بشردوستانه و حقوق بشر هر دو به منظور حمایت از حقوق نوع انسان و واداشتن دولتها به رعایت شأن و مرتبت انسانی تدوین و توسعه یافته اند و مکمل هم عمل می کنند. نخستین کنفرانس بین المللی

حقوق بشر در بهار سال ۱۳۴۷ (آوریل - مه ۱۹۶۸ م.) در تهران بر ارتباط حقوق بشردوستانه و حقوق بشر صحه گذاشت. این کنفرانس با تصویب قطعنامه شماره ۲۳ با عنوان «رعایت حقوق بشر در زمان مخاصمات مسلحانه»، «حقوق بین الملل بشردوستانه را دنباله حقوق بشر قرار داد» (ممتاز و...، ۱۳۸۴، ص ۶۰).

مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطعنامه ۲۶۷۵ را در ۹ دسامبر ۱۹۷۰ م. با عنوان «اصول بنیادین مربوط به حمایت از جمعیت غیرنظامی در زمان مخاصمات مسلحانه» تصویب کرد که در آن آمده است: «حقوق بنیادین بشر، آن گونه که در حقوق بین الملل مقرر و در اسناد بین المللی بیان شده‌اند، در زمان مخاصمات مسلحانه همچنان قابل اجراست». همه معاهدات بین المللی حقوق بشر، به شکلی یکسان از حقوقی با عنوان «حقوق بنیادین» یاد می کنند. این حقوق هسته سخت حقوق بشر را تشکیل می دهد و در همه حال و همه وقت باید رعایت شود. از این حقوق در پروتکل های الحاقی با عنوان «تضمین های اساسی» و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با عنوان حقوقی که قابل تخطی و تعطیل بردار نیستند، تعبیر شده است (ممتاز و...، ۱۳۸۴، صص ۶۱-۶۲).

دیوان نیز به همین عقیده بود و در نظر مشورتی ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ م. خود باصراحت اعلام می کند: «حمایتهای مقرر در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در زمان جنگ از اجرا باز نمی ماند، مگر به موجب ماده ۴ میثاق که پیش بینی می کند در صورت بروز خطر عمومی (که موجودیت ملت را تهدید کند) برخی از تعهدات ناشی از این سند ممکن

است به حالت تعلیق در آید.... اصولاً حق به محروم نشدن از حیات به صورت خودسرانه در زمان مخاصمات مسلحانه نیز حقی معتبر و خدشه‌ناپذیر است. با این حال، در چنین شرایطی سلب خودسرانه حیات طبق حقوق خاص قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه تعریف و مشخص می‌شود» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۰۵). بدین ترتیب دیوان با توجه به هر دو شاخه حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق بشردوستانه تصریح می‌کند که حقوق بشر در هر شرایطی باید محترم شمرده شود و در زمان مخاصمات مسلحانه به همراه حقوق بشردوستانه باید به اجرا درآید.

#### ۱-۳-۲. قابل اجرا بودن حقوق بین‌الملل بشر در سرزمین اشغالی فلسطین

اسرائیل با این ادعا که قواعد حقوق بشر در زمان صلح و صرفاً به منظور حمایت از شهروندان در برابر دولت متبوع آنها اجرا می‌شوند، در رفتار با فلسطینیان خود را پایبند قواعد حقوق بشر ندانسته و مدعی است که رفتار آن در سرزمینهای اشغالی نباید بر اساس این قواعد ارزیابی شود. اسرائیل در گزارشات خود به کمیته حقوق بشر نیز از این موضوع دفاع کرده و عنوان نموده است که «میثاق (بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و سایر اسناد مشابه حقوق بشر مستقیماً در مورد وضعیتهای حاکم در (...) سرزمینهای اشغالی اجرا نمی‌شوند» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۱۰). اما بر خلاف این ادعا، گستره و قلمرو اجرایی حقوق بشر تمام سرزمینهای تحت کنترل کشورها را در بر می‌گیرد. برای مثال، میثاق

بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در بند ۱ ماده ۲، قلمرو اجرایی خود را به صورت زیر مشخص می‌کند:

«دولتهای عضو این میثاق متعهد می‌شوند حقوق شناخته شده در این میثاق را در باره کلیه افراد مقیم در قلمرو و تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی... محترم شمرده و تضمین کنند.»

به عقیده دیوان قلمرو اجرایی میثاق شامل افرادی است که در سرزمین یک دولت عضو یا خارج از قلمرو ملی اما تحت کنترل و صلاحیت آن دولت قرار دارند (رای مشورتی

دیوان، بند ۱۰۸). دیوان اظهار می‌کند که صلاحیت دولتها قبل از هر چیز صلاحیت سرزمینی است اما گاهی دولتها در خارج از سرزمین ملی خود اعمال صلاحیت می‌کنند.

«با توجه به هدف و موضوع میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، طبیعی به نظر می‌رسد که دولتهای عضو میثاق، حتی در فرض اخیر، ملزم به رعایت مقررات آن باشند». دیوان

اضافه می‌کند که کارهای مقدماتی و رویه مستمر کمیته حقوق بشر این تفسیر را تأیید می‌کنند (رای مشورتی دیوان، بند ۱۰۹). دیوان در مورد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی

و اجتماعی نیز همین نظر را ابراز می‌کند و به ماده ۱۴ این میثاق استناد می‌کند. [۱۳] بدین ترتیب، دیوان با رد ادعاهای اسرائیل نتیجه‌گیری می‌کند:

«سرزمینهای اشغالی توسط اسرائیل بیش از سی سال است که تحت صلاحیت سرزمینی اسرائیل به عنوان قدرت اشغالگر قرار دارند. اسرائیل در اعمال صلاحیتهایی که با این عنوان از آنها برخوردار است، ملزم است مقررات میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را رعایت کند. به علاوه اسرائیل ملزم است در برابر اجرای این حقوق در زمینه‌هایی که صلاحیت به مقامات فلسطینی انتقال یافته است، مانعی ایجاد نکند» (رای مشورتی دیوان، بند ۱۱۲).

۱-۳-۳. ساخت دیوار حائل و نقض حقوق بین‌الملل بشر

دیوان برخلاف منطق خود در احصاء قواعد حقوق بین‌الملل حاکم بر سرزمینهای اشغالی فلسطین، در ارزیابی و اعلام موارد تخلف اسرائیل از تعهدات بین‌المللی خود صرفاً به نقض برخی از این قواعد در نتیجه ساخت دیوار حائل اشاره می‌کند. [۱۴] اسرائیل ملزم است حقوق تضمین شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر را در مورد تمامی افرادی که در سرزمین آن ساکن یا تحت سلطه آن قرار دارند، اجرا کند. اما اسرائیل اصولاً ادعا می‌کند که در سرزمینهای اشغالی به این موازین متعهد و پایبند نیست. [۱۵]

۱-۳-۳.۱. نقض میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

دیوان در ارزیابی ساخت دیوار حائل از منظر حقوق بین‌الملل بشر و آثار و تبعات آن برای حقوق بشر مردم فلسطین به برخی از مواد میثاق استناد می‌کند؛ احداث دیوار حائل

محدودیت‌های زیادی را برای آزادی تردد فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی به وجود آورده است. هزاران فلسطینی، که خانه و زمینهایشان مابین دیوار حائل و خط سبز قرار گرفته است، باید از ارتش اشغالگر اسرائیل کارت عبور بگیرند که بتوانند به خانه و زمینهای خود دسترسی داشته باشند، یا به مدرسه بروند. کسانی که در این مناطق کار می‌کنند اما در جای دیگری سکونت دارند، به کارت عبور و مرور خاصی نیاز دارند. هزینه تهیه این مجوز سنگین است و امکان دارد به دلایل «صرفاً امنیتی و بدون هیچ توضیحاتی از صدور کارت جلوگیری شود. در مورد برخی افراد این مجوز به صورت روزانه یا برای چند روز یا چند ماه صادر می‌شود» (Amnesty International, 2004). طبق تخمین سازمان عفو بین‌الملل، حقوق بشر یک میلیون نفر از فلسطینیان تحت‌الشعاع ساخت دیوار حائل قرار گرفته و حقوق اساسی آنها نقض خواهد شد (Amnesty International, 2004).

دیوان معتقد است که علاوه بر آزادی تردد مردم فلسطین، آزادی دسترسی آنان به اماکن مقدس نیز به طور فاحش نقض شده است. دیوان با اشاره به وضعیت و جایگاه اماکن مقدس در دوران امپراطوری عثمانی تصریح می‌کند که در ماده ۱۳ منشور نمایندگی فلسطین، آزادی دسترسی به اماکن مقدس مذهبی و انجام فرایض دینی تضمین شده بود. پس از تقسیم فلسطین، در قطعنامه (181 II) یک فصل به مکانهای مذهبی اختصاص یافته و آزادی دسترسی، بازدید و زیارت آنها مطابق با حقوق موجود برای تمامی ساکنان

فلسطین تضمین شده است (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۹). بعد از جنگ سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹م. در موافقت نامه آتش بس ۱۹۴۹م. بین اردن و اسرائیل که عملاً به عنوان معاهده صلح با آن رفتار می شود، اسرائیل متعهد شد آزادی دسترسی به اماکن مقدس را تضمین کند. به علاوه در بند ۱ ماده ۱۹ معاهده صلح ۱۹۹۴م. بین اسرائیل و اردن مجدداً این تعهد مورد تاکید قرار گرفت.

۱-۳-۲. نقض میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی  
ساخت دیوار حائل تأثیرات منفی بسیار شدیدی بر تولیدات کشاورزی فلسطینیان به همراه داشته است. بر اساس گزارش کمیته ویژه تحقیق در مورد اقدامات اسرائیل «حدود ۱۰۰۰۰ هکتار از زمینهای کشاورزی بسیار حاصلخیز کرانه باختری توسط ارتش اشغالگر اسرائیل مصادره و در مرحله اول ساخت دیوار تخریب شده است. ساخت دیوار موجب از بین رفتن اموال فلسطینیان به ویژه زمینهای کشاورزی، باغهای زیتون و چاههای آب... شده است که دهها هزار فلسطینی برای ادامه حیات به آنها وابسته بودند (گزارش کمیته ویژه تحقیق، ۲۰۰۳م.). [۱۶] گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی فلسطین نیز همین اظهارات را در گزارش سال ۲۰۰۳م. خود ذکر کرده است ( E/CN.4/2004/8 sept. 2003, par.9 به نقل از رأی مشورتی دیوان، بند ۱۳۳). به علاوه دیوار حائل مشکلات روز افزونی را برای دسترسی مردم فلسطین به خدمات بهداشتی، مؤسسات آموزشی، تأمین منابع آب و... ایجاد کرده است.

دیوان معتقد است که ساخت دیوار حائل به حقوق اساسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم فلسطین لطمه وارد کرده و مواد ۶ (حق کار)، ۱۰ (حمایت و کمک به خانواده و فرزندان)، ۱۱ (حق برخورداری از سطح مناسب زندگی)، ۱۲ (حق بهداشت) و ۱۳ و ۱۴ (حق آموزش) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نقض کرده است.

۱-۳-۳. نقض کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹م.

دیوان معتقد است که اسرائیل با ساخت دیوار حائل مواد ۱۶، ۲۴، ۲۷ و ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک را نقض کرده است.

۲. استدلال اسرائیل در توجیه ساخت دیوار حائل

حقوقدانان اسرائیلی در توجیه احداث دیوار حائل به چندین استدلال متوسل شده‌اند که ذیلاً به اجمال بیان کرده پاسخ دیوان بین‌المللی دادگستری در رد آنها را بررسی می‌کنیم.

۱-۲. ضرورت نظامی

اسرائیل به برخی مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه از جمله مواد ۴۹ و ۵۳ چهارمین

کنوانسیون ژنو که قدرت اشغالگر را مجاز می‌کنند در صورت اقتضای ضرورت نظامی

اقداماتی در سرزمین اشغال شده انجام دهد، استناد می‌کند. بند ۲ ماده ۴۹ چهارمین

کنوانسیون ژنو ممنوعیت انتقال اجباری اشخاص مورد حمایت ساکن اراضی اشغالی را در

صورتی که ضرورتهای عالیه نظامی قدرت اشغالگر توجیه کند، تخصیص می‌زند:



«دولت اشغالگر می تواند در صورتی که امنیت اهالی یا ضرورت های عالی نظامی ایجاب

کند، به تخلیه تمام یا قسمتی از ناحیه اشغال شده مبادرت کند...».

اما همچنان که عبارت فوق نشان می دهد، در این بند از ماده ۴۹ سخن از تخلیه اهالی

سرزمین اشغالی است و نه انتقال اجباری مردم؛ از سوی دیگر، تخلیه اراضی اشغالی یک

اقدام موقتی است که برای حفظ منافع و امنیت آن مردم انجام می شود و با تضمینات

پیش بینی شده در همان ماده همراه است (ABI-SAAB, IRRIC 2004, p. 651).

یکی از تضمینات مقرر این است که اشخاص تخلیه شده باید به محض پایان مخاصمه به

کانون خود عودت داده شوند. دیوان خاطر نشان می کند که حتی این استثناء شامل بند

آخر ماده ۴۹ نمی شود. بر اساس این بند از ماده ۴۹، انتقال بخشی از جمعیت غیر نظامی

دولت اشغالگر به سرزمین اشغال شده ممنوع است و هیچ دلیلی این امر را توجیه نمی کند.

ساخت دیوار حائل موجب تخریب و انهدام اموال و اراضی مردم غیر نظامی سرزمینهای

اشغالی شده است. لزوم حفظ حرمت اموال خصوصی مردم از طرف قدرت اشغالگر

باصراحت در ماده ۴۶ عهدنامه چهارم ۱۹۰۷م. لاهه مقرر شده است. بر اساس این ماده:

«دولت اشغالگر باید به مالکیت خصوصی در سرزمینهای اشغالی احترام بگذارد. از این رو

انهدام اموال خصوصی بدون ضرورت مبرم نظامی، یا در صورتی که صرفاً برای هدفهای

انتقام جویانه یا خسارت بار به دشمن باشد، ممنوع است».

دیوان ضمن توجه به موضوع «ضرورت نظامی» معتقد است که گرچه در بعضی شرایط معین، ضرورت نظامی در سرزمینهای اشغالی حتی پس از پایان عملیات نظامی مورد استناد قرار می گیرد اما بر اساس مستندات پرونده، تخریبهای انجام شده در سرزمینهای اشغالی بر خلاف نهی صریح ماده ۵۳ چهارمین کنوانسیون ژنو بوده و دیوان قانع نشده است که «تعقیب اهداف امنیتی توسط اسرائیل، ترسیم نقشه دیوار در مسیر انتخاب شده را ایجاب می کرد» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۳۵)؛ همچنین، دیوان ساخت دیوار در مسیر مورد نظر را تنها راه محافظت از منافع اسرائیل در برابر تهدیدهایی که ممکن است علیه آن صورت گیرد، نمی داند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۳۷). بنابراین، دیوان نتیجه می گیرد که احداث دیوار در مسیری که حقوق فلسطینیان را به شدت پایمال می کند، با هیچ گونه ضرورت نظامی و ملاحظات امنیتی توجیه پذیر نیست و نقض تعهدات بین المللی اسرائیل محسوب می شد.

## ۲-۲. دفاع مشروع

اسرائیل در ساخت دیوار حائل به اصل دفاع مشروع نیز متوسل شده است. به نظر اسرائیل «ساخت دیوار حائل با ماده ۵۱ منشور، حق دفاع ذاتی مشروع آن، و قطعنامه های ۱۳۶۸/۲۰۰۱ م. و ۱۳۷۳/۲۰۰۱ م. شورای امنیت مطابقت دارد» (گزارش دبیر کل، ضمیمه ۱). نماینده اسرائیل در سازمان ملل در برابر مجمع عمومی در ۲۰ اکتبر ۲۰۰۳ م. اعلام کرده است که «ساخت دیوار اقدامی کاملاً سازگار با حق (دفاع مشروع) دولتها... به موجب ماده

۵۱ منشور است» و قطعنامه‌های فوق‌الذکر «به طور روشن حق دولتها را برای توسل به زور به منظور دفاع مشروع برای مقابله با اقدامات تروریستی به رسمیت می‌شناسند» و در نتیجه حق توسل به اقدامات غیرنظامی برای مقابله با اقدامات تروریستی نیز به رسمیت شناخته شده است (p.6, A/ES-10/PV.21 به نقل از رأی مشورتی دیوان، بند ۱۳۸).

دیوان ضمن رد استدلال اسرائیل، به تبیین قاعده دفاع مشروع می‌پردازد. دیوان اظهار می‌کند که ماده ۵۱ منشور حق دفاع مشروع را در صورت حمله مسلحانه یک کشور علیه کشور دیگر به رسمیت می‌شناسد. اسرائیل مدعی این نیست که خشونت‌هایی که علیه آن صورت می‌گیرد، به یک دولت خارجی قابل انتساب هستند. اسرائیل بر سرزمین اشغالی فلسطین اعمال کنترل می‌کند و همچنان که خود عنوان کرده است، منشأ تهدیدهایی که برای توجیه ساخت دیوار و اعمال حق دفاع مشروع مطرح و عنوان شده‌اند، در داخل این سرزمین قرار دارد و نه خارج از آن؛ بنابراین، وضعیت حاکم در سرزمینهای اشغالی فلسطین متفاوت از وضعیتهایی است که در قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت پیش‌بینی شده است و اسرائیل به هیچ وجه نمی‌تواند در توجیه ساخت دیوار حائل به ماده

۵۱ منشور ملل متحد و یا به قطعنامه‌های مزبور استناد کند (رأی مشورتی دیوان، بندهای

۳۳ و ۱۳۹). [۱۷]

۲-۳. حالت ضرورت

حالت ضرورت یکی از موجبات رافع مسئولیت در صورت نقض تعهدات بین‌المللی قراردادی محسوب می‌شود (ماده ۲۵ پیش‌نویس مواد مربوط به مسئولیت بین‌المللی دولتها)؛ به عبارت دیگر، در صورتی که «منافع اساسی» دولت در معرض خطر شدید قرار گیرد و دولت مربوط از اجرای برخی تعهدات بین‌المللی خود به منظور مقابله با آن خطر اجتناب ورزد، مسئول شناخته نمی‌شود. اما «حالت ضرورت» به عنوان یک راهکار مطمئن، تنها زمانی می‌تواند غیرقانونی بودن موارد نقض تعهدات بین‌المللی را از بین ببرد که شرایط کاملاً مشخص و تعریف‌شده‌ای مجتمعاً وجود داشته باشد؛ اولاً، در یک عهدنامه‌ای اتخاذ چنین راهکاری صراحتاً یا تلویحاً منع نشده باشد؛ ثانیاً، نقض حقوق تنها راهکار قابل اجرا باشد؛ ثالثاً، تخلف مورد نظر به یک منفعت اساسی دولت قربانی لطمه وارد نکند (N. Quoc Dinh et al., 1992, pp.734-735)؛ رابعاً، این رفتار ناقض یک قاعده آمره نباشد.

دیوان در پاسخ به ادعای اسرائیل، اولاً به برخی از کنوانسیونهای بین‌المللی اشاره می‌کند که مقرراتی را در محدود ساختن یا استثنا کردن اجرای حقوق تضمین شده در بر دارند؛ ثانیاً، دیوان این سؤال را مطرح می‌کند که آیا «حالت ضرورت» به همان شکلی که در حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شده، می‌تواند در مورد این کنوانسیونها به عنوان دلیل مشروعیت یا به تعبیر دقیق‌تر رافع غیرقانونی بودن اقدامات مورد نظر استفاده شود؟ دیوان بدون اینکه به جزئیات این موضوع بپردازد، اظهار می‌کند که «حالت ضرورت در حقوق

بین الملل عرفی به عنوان یک دلیل (cause) پذیرفته شده و فقط به طور استثناء می تواند تجویز شود». دیوان تصریح می کند که حالت ضرورت نمی تواند مورد استناد باشد مگر در صورت اجتماع شرایط کاملاً مشخص و تعریف شده و قضاوت در باره وجود و اجتماع این شرایط تنها توسط دولت مربوط انجام نمی شود (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۰). دیوان با استناد به ماده ۲۵ پیش نویس مواد مربوط به مسئولیت بین المللی دولتها اضافه می کند که یکی از آن شرایط این است که اقدام مزبور برای دولت «تنها راهکار ممکن برای حفظ منافع اساسی خود در برابر یک خطر شدید و قریب الوقوع باشد» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۰). سپس دیوان نتیجه می گیرد که اولاً، دیوان قانع نشده است که ساخت دیوار بر اساس نقشه ترسیمی تنها راه حمایت از منافع اسرائیل در برابر خطری است که ساخت دیوار را توجیه می کند؛ ثانیاً، گرچه اسرائیل حق دارد و باید از شهروندان خود در برابر اقدامات خشونت آمیز حمایت کند، این حمایت باید مطابق با حقوق بین الملل باشد (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۱) و در نهایت، دیوان اظهار می کند که اسرائیل نمی تواند به حق دفاع مشروع یا حالت ضرورت به عنوان دلایلی برای مشروع جلوه دادن ساخت دیوار حائل استناد کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۲).

از آنجا که ساخت دیوار حائل به ظاهر برای حفاظت از جان و مال یهودیان شهرک نشین در سرزمینهای اشغالی است، برای استمرار یک عمل غیرقانونی یعنی اسکان یهودیان در

فلسطین اشغالی، انجام عمل غیرقانونی دیگر، ساخت دیوار حائل، توجیه ناپذیر است؛ چون هدف از آن استمرار و تثبیت یک عمل غیرقانونی سابق است (ممتاز، سخنرانی، ۱۳۸۳).

۴-۲. حفظ امنیت ملی و نظم عمومی

در اسناد بین‌المللی حمایت از حقوق بشر از جمله در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اعمال این حقوق تابع محدودیتهایی است که ممکن است به موجب قانون و برای حفظ نظم عمومی و تضمین امنیت ملی یا حقوق و آزادیهای دیگران مقرر شده باشد. اسرائیل در توجیه ساخت دیوار حائل به این گونه محدودیتها نیز استناد کرده است. اسرائیل همچنین ادعا می‌کند که «مصادره زمینها برای زمینه‌سازی ساخت موانع مناسب است و با توجه به تعداد کشته‌شدگان و مجروحان شهروندان اسرائیلی پذیرفتنی است و با حقوق داخلی و بین‌المللی منطبق است» (گزارش دبیر کل، پیوست ۱). اما این محدودیتها باید به موجب قانون، متناسب، ضروری و سازگار با دیگر قواعد حقوق بین‌الملل بشر باشد. کمیته حقوق بشر در تفسیر خود از محدودیتهای پیش‌بینی شده در ماده ۱۲ میثاق تصریح می‌کند:

«محدودیتهای واردشده بر حقوق اعلام شده در ماده ۱۲ نباید اصل آزادی تردد را از مفهوم خود تهی سازد. اینکه محدودیتهای مورد نظر اهداف مجازی را تعقیب کنند، کافی نیست. این محدودیتها باید همچنین برای تحقق اهداف مزبور ضروری و مطابق با اصل تناسب بوده و برای انجام وظیفه حمایتی خود مناسب باشند و در میان روشهای دیگر برای

رسیدن به نتیجه مورد نظر به حداقل میزان ممکن به حقوق تضمین شده لطمه وارد کنند. محدودیتهای مورد نظر باید در هر مورد با توجه به دلایل حقوقی مشخص اجرا شده و اصول ضرورت و تناسب را رعایت کنند» (کمیته حقوق بشر، ملاحظات کلی شماره ۲۷ «۲» نوامبر ۱۹۹۹)، بند ۱۴).

به موجب ماده ۴ میثاق نیز در صورت وجود خطر استثنایی به طوری که موجودیت ملت تهدید شود، کشورهای عضو می توانند برای مقابله با آن تدابیری خارج از الزامات مقرر در میثاق اتخاذ نمایند، «مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که طبق حقوق بین الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیض منحصرأ بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود».

ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی توسط دولت اشغالگر با بسیاری از الزامات و تعهدات اسرائیل به موجب حقوق بین الملل مغایرت دارد؛ اولاً، هدف اسرائیل از ساخت دیوار حائل هدف مشروع و مجازی نیست؛ ثانیاً، این اقدام متناسب با هدف مورد نظر نیست. دیوان اظهار می کند که شرایط مورد نظر در قضیه دیوار حائل وجود ندارد و محدودیتهای ناشی از ساخت دیوار یک شرط مهم مقرر در ماده ۴ میثاق حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بر آورده نمی کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۳۶). طبق این ماده محدودیتهای ایجادشده برای مردم فلسطین باید با ماهیت حقوقی که در این میثاق

مقرر شده سازگار باشد و منظور از آن محدودیتها «منحصراً توسعه رفاه عامه در یک جامعه دمکراتیک باشد». نه تنها ساخت دیوار حائل به منظور توسعه رفاه عامه در سرزمینهای اشغالی نیست بلکه اسرائیل بیشتر مردم فلسطین را از حقوق اساسی خود محروم کرده است.

۲-۵. موقتی بودن دیوار

بنا به ادعای اسرائیل تنها هدف آن از ساخت دیوار حائل مبارزه با تروریسمی است که از کرانه باختری انجام می گیرد و بنابراین، ساخت این موانع موقتی است (گزارش دبیر کل، بند ۲۹). نماینده اسرائیل در سازمان ملل نیز در ۱۴ اکتبر ۲۰۰۳ م. در برابر شورای امنیت

خاطر نشان ساخت که این موانع «هیچ سرزمینی را به اسرائیل ضمیمه نمی کند» و اسرائیل آمادگی دارد در چارچوب یک راه حل سیاسی، در صورت لزوم دیوار را تخریب کند (S/PV. 4841, p. 10; A/ES-10/PV. 23, p. 7).

دیوان ضمن اشاره به این ادعاها و تضمینهایی که اسرائیل در مورد تخریب دیوار داده است، معتقد است که ساخت دیوار و ترتیبات مربوط به آن «عمل انجام شده‌ای» را به وجود می آورد که به احتمال قوی می تواند وضعیت دائمی به خود بگیرد و به انضمام عملی بخشی از سرزمین فلسطین منجر شود (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۱). دیوان اظهار می کند که ساخت دیوار اقدامات غیرقانونی اسرائیل را در اسکان و استقرار شهروک نشینان



استحکام و تثبیت می کند و خطر تغییرات جدید در ترکیب جمعیتی سرزمینهای اشغالی را در پی دارد؛ زیرا به کوچ اجباری فلسطینیان منجر خواهد شد و این امر مانع جدی برای اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین است (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۲۲). این دیوار با هر هدفی که تأسیس شود، مسلماً یک خط مرزی جدید یکجانبه‌ای را ایجاد کرده و وضعیت موجود را تغییر خواهد داد. طرفین یک اختلاف سرزمینی باید از انجام هر گونه تغییرات یکجانبه که حل و فصل نهایی اختلاف خودداری کنند ( KOHEN, Le Figaro, 2004).

۳. آثار حقوقی ساخت دیوار حائل از دیدگاه حقوق بین‌الملل

نظر به تعهدات بین‌المللی نقض شده در نتیجه ساخت دیوار حائل، دیوان با بیان آثار حقوقی مترتب بر این عمل غیرقانونی وظایف و الزاماتی را برای اسرائیل به عنوان دولت متخلف، کشورهای ثالث و سازمان ملل متحد برمی‌شمارد.

۳-۱. آثار حقوقی ساخت دیوار حائل برای اسرائیل

یکی از آثار حقوقی انجام عمل غیرقانونی این است که دولت متخلف به وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی پایان دهد و به تعهدات خود پایبند باشد. الزام دولت متخلف به متوقف ساختن تخلف بین‌المللی خود اصل پذیرفته شده‌ای در حقوق بین‌الملل عام است و دیوان به دفعات متعدد وجود چنین تعهدی را تأیید کرده است

( Nicaragua v. Etats-Unis ; Etats-Unis v. République Islamique )

(d'Iran).

دیوان در باره آثار حقوقی ساخت دیوار برای اسرائیل اظهار می کند که اولاً، اسرائیل ملزم

است به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین احترام بگذارد و به تعهدات خود به موجب

حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر پایبند باشد (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۹). از این رو،

دیوان اعلام می کند که اسرائیل ملزم است ساخت دیوار را متوقف کند. دیوان با اعلام این

مطلب که نقض تعهدات بین المللی توسط اسرائیل در واقع، نتیجه ساخت دیوار است،

معتقد است که توقف نقض تعهدات بین المللی مزبور مستلزم تخریب بخشی از دیواری

است که در سرزمینهای اشغالی از جمله در بیت المقدس شرقی و پیرامون آن ساخته شده

است. به علاوه تمامی قوانین و بخشنامه های مصوب به منظور ساخت دیوار و ترتیبات

مربوط به آن باید بلافاصله لغو شوند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۵۱)؛ ثانیاً، دیوان معتقد

است از آنجا که ساخت دیوار در سرزمینهای اشغالی به مصادره و تخریب منازل، مغازه ها

و نیز زمینهای کشاورزی منجر شده است، اسرائیل ملزم است تمامی خسارات وارد شده به

اشخاص حقیقی و حقوقی ناشی از رفتار غیرقانونی خود را جبران کند. دیوان یادآوری

می کند که شیوه های اساسی جبران خسارت در حقوق عرفی توسط دیوان دائمی

دادگستری بین المللی به صورت زیر دسته بندی و اعلام شده است:

«اصل اساسی که از مفهوم عمل غیرقانونی و رویه بین‌المللی به ویژه رویه قضایی دادگاههای داوری نتیجه می‌شود این است که جبران خسارت باید حتی‌المقدور تمامی آثار و نتایج عمل نادرست را از بین برده و وضعیتی را احیا کند که اگر عمل مزبور ارتکاب نمی‌یافت، احتمالاً وجود می‌داشت: اعاده وضع به حال سابق یا در صورتی که این امر مقدور و میسر نباشد، پرداخت ضرر و زیان برای خسارات وارده که اعاده وضع به حال سابق یا پرداخت غرامت نمی‌تواند آنها را پوشش دهد...» ( Usine de Chorzow, ) (fond, arrêt n° 13).

بنابراین اسرائیل ملزم است به منظور جبران خسارتهای وارده به مردم فلسطین، در وهله اول حتی‌المقدور وضع را به حال سابق بازگرداند و بدین منظور بخشهای ساخته‌شده دیوار را تخریب و اعمال حقوقی مربوط را لغو کند و همچنین، اموال و زمینهای مصادره‌شده را به صاحبان آنها برگرداند. در وهله دوم، به منظور جبران خسارتهای وارده، اسرائیل باید به اشخاصی که خانه‌ها و زمینهای قابل کشت آنها تخریب شده است، در مواردی که اعاده وضع به حال سابق به لحاظ مادی امکان‌پذیر نباشد، مطابق با قواعد حقوق بین‌الملل غرامت مناسب پرداخت کند (رای مشورتی دیوان، بند ۱۵۳). به علاوه دیوان تأکید کرده است که اسرائیل به موجب کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹م. متعهد است افرادی را که متهم به نقض شدید حقوق بین‌الملل بشردوستانه هستند، چه دستور ساخت دیوار حائل را صادر

کرده‌اند یا آن را طراحی و به اجرا گذاشته و یا در حال احداث آن می‌باشند، دستگیر و محاکمه کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۴۳).

۲-۳. آثار حقوقی ساخت دیوار حائل برای کشورهای ثالث

دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۷۰م. در قضیه بارسلونا تراکشن بین تعهدات بین‌المللی کشورها قائل به تفکیک شده و اعلام داشت که اگر برخی از تعهدات بین‌المللی دولتها تعهدات متقابلی هستند، برخی دیگر به لحاظ اهمیت اساسی آنها برای جامعه بین‌المللی، تعهدات مربوط به همه (erga omnes) است و همه کشورها نفع حقوقی دارند که این تعهدات رعایت شوند (Barcelona Traction, CIJ. Rec. 1970, (p. 32, par.33).

دیوان اعتقاد دارد برخی از تعهدات بین‌المللی که اسرائیل با ساخت دیوار نقض کرده است، با جامعه بین‌المللی و منافع کشورهای دیگر ارتباط داشته و به اصطلاح erga omnes محسوب می‌شوند. دیوان از این گونه تعهدات بین‌المللی که توسط اسرائیل نقض شده است، به چند مورد باصراحت اشاره می‌کند:

«تعهد احترام به حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین و همچنین، برخی تعهدات اسرائیل به موجب حقوق بین‌الملل بشردوستانه» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۵۵). دیوان در مورد تعهد احترام به حق تعیین سرنوشت، ضمن استناد به رأی خود در قضیه تیمور شرقی (Timor oriental, CIJ. Rec. 1995, par. 29) اظهار می‌کند که «حق تعیین سرنوشت به

صورتی که بر اساس منشور و رویه سازمان ملل متحد توسعه یافته، حقی است که در قبال همه کشورها قابل استناد است (erga omnes)» (رای مشورتی دیوان، بند ۱۵۶).  
دیوان همچنین، در این مورد به قطعنامه (2625) (XXV مجمع عمومی سازمان ملل استناد می‌کند. در این قطعنامه آمده است:

«هر دولتی موظف است انفراداً یا با همکاری کشورهای دیگر، تحقق اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌های مختلف را مطابق با مقررات منشور ملل متحد تقویت کرده و سازمان ملل را در انجام وظایفی که منشور در اجرای این اصل به عهده آن گذاشته است، مساعدت کند».

در مورد حقوق بشردوستانه نیز دیوان رأی مشورتی خود راجع به مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را یادآوری می‌کند. دیوان در این رأی اظهار کرد:

«بسیاری از قواعد حقوق بشردوستانه حاکم بر درگیری‌های مسلحانه، به قدری برای احترام به انسان و "ملاحظات اولیه بشردوستانه" اساسی هستند که نسبت به همه دولت‌ها الزام آورند، چه اسناد قراردادی را تصویب کرده و چه نکرده باشند؛ زیرا این قواعد اصول غیرقابل اغماض حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب می‌گردند» ( CIJ. Rec. 1996 )  
79, par. 257, (I)).

به اعتقاد دیوان قواعد موردنظر تعهداتی را در بر دارند که رعایت آنها به جامعه بین‌المللی در مجموع آن مربوط می‌شود و هر دولتی در رعایت این تعهدات توسط دولت‌های دیگر

منفعت حقوقی دارد. از طرف دیگر، دیوان ماده ۱ مشترک کنوانسیونهای ژنو را خاطر نشان می‌سازد که به موجب آن دولتهای متعاقد پذیرفته‌اند کنوانسیونها را در همه احوال رعایت کرده و دیگران را به رعایت آنها وادار کنند. گرچه نمی‌توان با قاطعیت در باره مفاد این تعهد اظهار نظر کرد (ممتاز و...، ۱۳۸۴، ص ۲۰۲)، اما دیوان با تفسیر این ماده تعهد هر دولت عضو کنوانسیونهای ژنو را، حتی اگر در گیر مخاصمات مسلحانه نباشد، به تضمین اجرای مقررات آنها استنباط کرد (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۵۸)؛ به عبارت دیگر، تعهد مذکور در ماده ۱ مشترک کنوانسیونهای ژنو در زمره تعهدات *erga omnes* است؛ بنابراین، دیوان اظهار می‌کند که با توجه به ماهیت و اهمیت حقوق و تعهدات نقض شده، همه دولتها متعهدند وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار را در سرزمینهای اشغالی فلسطین به رسمیت نشناخته و برای حفظ وضعیت به وجود آمده کمک و مساعدتی نکنند. دیوان همچنین اعلام می‌کند که همه دولتهای عضو کنوانسیونهای ژنو باید اسرائیل را به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه مندرج در این کنوانسیونها وادار کنند و مراقبت کنند که به موارد نقض حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین در اثر ساخت دیوار پایان داده شود (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۵۹).

۳-۳. آثار حقوقی ساخت دیوار حائل برای سازمان ملل متحد

از سالهای اولیه تشکیل سازمان ملل، مسئله فلسطین با تصمیمات این سازمان در باره سرزمین فلسطین گره خورده است. در سال ۱۹۴۷م. مجمع عمومی به بهانه حفظ صلح و

امنیت در منطقه با تصویب قطعنامه (181 II)، فلسطین را به دو قسمت تقسیم کرد و به ناحق و با بی‌عدالتی کامل ۵۶ درصد از سرزمین متعلق به مردم بومی فلسطین را به یهودیان بومی و مهاجر، که در آن تاریخ حدود ۱۰ درصد جمعیت ساکن در فلسطین را تشکیل می‌دادند، تقدیم کرد. رهبران صهیونیستی که در صدد سلطه بر تمام فلسطین بودند، به این مقدار سرزمین بسنده نکردند و در جریان جنگ‌های ۱۹۴۸-۱۹۴۹ م. حدود ۸۰ درصد فلسطین را تصرف کردند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳).

سازمان ملل که به دلیل حمایت‌های بی‌دریغ امریکا و کشورهای اروپایی از اسرائیل از یافتن راه حلی برای مسئله فلسطین و کمک به مردم این سرزمین برای اعمال حق تعیین سرنوشت خود و تشکیل دولت مستقل ناتوان بود، در برابر تهاجم و اشغال نظامی مناطق اختصاص یافته به فلسطینیان در قطعنامه تقسیم سکوت اختیار کرد. سپس، هنگامی که در سال ۱۹۶۷ م. بقیه سرزمین فلسطین نیز به اشغال اسرائیل در آمد، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷ م.) صرفاً خروج نیروهای نظامی اسرائیل را از مناطقی که در جنگ سال ۱۹۶۷ م. تسخیر کرده بودند، درخواست کرد. ظاهراً به نظر شورای امنیت اشغال نظامی بخش‌هایی از سرزمین فلسطین، حدود ۲۵ درصد، توسط اسرائیل در جریان جنگ‌های ۱۹۴۸-۱۹۴۹ م. بلامانع و قانونی بوده است. البته، قطعنامه‌هایی هم که در آنها شورای امنیت بر لزوم خروج اسرائیل از کرانه باختری و نوار غزه تأکید کرده است، تا کنون با بی‌اعتنایی کامل توسط اسرائیل مواجه بوده‌اند.

با توجه به مطالب پیش گفته، مسئولیت سازمان ملل متحد به مثابه نهاد حافظ صلح و امنیت بین‌المللی در قبال مسئله فلسطین کاملاً روشن است. اما این سازمان تاکنون از ایفای تعهدات و مسئولیت خود در این باره سرباز زده و یا به تعبیر دقیق‌تر ناتوان بوده است. شاید بدین دلیل است که دیوان در بیان آثار حقوقی ساخت دیوار حائل برای سازمان ملل زبان دیپلماتیک را برگزید و صرفاً سازمان ملل را به اتخاذ اقدامات جدید و تقویت تلاشهای خود برای پایان دادن به وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار دعوت می‌کند:

«دیوان اعتقاد دارد که سازمان ملل، به ویژه مجمع عمومی و شورای امنیت، باید با توجه به رأی مشورتی دیوان بررسی کند که به منظور پایان دادن به وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار و ترتیبات مربوط به آن، چه اقدامات جدیدی باید اتخاذ شود» (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۶۰).

دیوان همچنین ضمن ابراز دغدغه در باره حمایت از اهداف و اصول منشور ملل متحد، به ویژه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، خاطر نشان می‌کند که سازمان ملل باید بر تلاشهای خود به منظور پایان دادن هر چه سریع‌تر به اختلافات اسرائیل و فلسطین بیفزاید و صلحی عادلانه و پایدار در منطقه ایجاد کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۶۱). در نهایت دیوان اظهار می‌کند که موضوع ساخت دیوار باید در یک چارچوب کلی‌تری ارزیابی شود. دیوان با یادآوری تاریخچه مسئله فلسطین و اقدامات خشونت‌آمیز و سرکوب‌گرانه طرفین درگیری در طول دهه‌های گذشته، اعتقاد



دارد که تنها راه پایان دادن به وضعیت غیرقانونی و اسفبار حاکم در سرزمینهای اشغالی، اجرای با حسن نیت تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت به ویژه قطعنامه‌های ۲۴۲ (۱۹۶۷م.) و ۳۳۸ (۱۹۷۳م.) است. دیوان همچنین، توجه مجمع عمومی را به تقویت و تشدید تلاشهای خود برای رسیدن به یک راه حل مبتنی بر مذاکره و تشکیل دولت فلسطین جلب می کند (رأی مشورتی دیوان، بند ۱۶۲).

### **نتیجه گیری**

رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در باره آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین از لحاظ گوناگون یک رأی تاریخی و مهم است و نه تنها برخی از حقوق اولیه مردم فلسطین را، که در طول دهه‌های گذشته توسط سوی اسرائیل نقض و یا نادیده گرفته شده است، رسماً اعلام و لزوم رعایت آن را یادآوری می کند بلکه همچنین، جنبه‌های مختلف حقوق بشردوستانه به ویژه تعهدات قدرت اشغالگر را در سرزمینهای اشغالی تفسیر و تبیین می کند. با این حال، شاید به دلیل اینکه دیوان یک رکن قضایی است و نه تقنینی، در اعلام حقوق مردم فلسطین به ویژه حق تعیین سرنوشت آنها، خود را در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت محصور کرده است. بدین ترتیب، ابعاد مثبت و منفی رأی دیوان به اجمال بررسی می شود:

### **یک. جنبه‌های مثبت رأی مشورتی دیوان**

دیوان مسئله فلسطین و اسرائیل را یک موضوع دوجانبه تلقی نمی کند بلکه آن را یک بحران منطقه‌ای و بین‌المللی و کاملاً با موضوع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و در نتیجه با

سازمان ملل مرتبط می‌داند. دیوان اشاره می‌کند که ریشه مسئله فلسطین را باید در نظام نمایندگی پیش‌بینی‌شده در میثاق جامعه ملل جستجو کرد؛ بدین ترتیب اولاً، بر حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین به گونه‌ای که در منشور نمایندگی فلسطین ذکر شده بود، صحنه می‌گذارد و ثانیاً، تأکید می‌کند که باید مسئله فلسطین مطابق با مقررات و قواعد بین‌المللی حل و فصل شود.

دیوان با استناد به قطعنامه ۱۸۱ (۱۹۴۷ م.) مجمع عمومی موسوم به «قطعنامه تقسیم فلسطین» به صورت ضمنی به مسئولیت سازمان ملل متحد در قبال مسئله فلسطین اشاره می‌کند. دیوان با اعلام این امر که اختلاف اسرائیل و فلسطین صلح و امنیت بین‌المللی را در منطقه تهدید می‌کند، ضمن یادآوری ضرورت حمایت از اهداف و اصول مندرج در منشور ملل متحد خاطر نشان می‌سازد که سازمان ملل باید بر تلاش‌های خود به منظور پایان دادن به بحران خاورمیانه بیفزاید و تنها راه حل مسئله فلسطین اجرای تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت است و در خصوص وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار حائل، سازمان ملل را به اتخاذ «اقدامات جدیدی» فرا می‌خواند. گرچه دیوان منظور خود را از «اقدامات جدید» بیان نمی‌کند، مسلماً این اقدامات تصویب قطعنامه‌های غیرالزام‌آور در مجمع عمومی نیستند بلکه به نظر می‌رسد دیوان اعتقاد دارد که باید اقدامات عملی برای وادار کردن اسرائیل به عقب‌نشینی از سرزمین‌های اشغالی اتخاذ شود.

دیوان با یادآوری قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی در باره اشغالی بودن سرزمینهای فلسطین، که در سال ۱۹۶۷م. به تصرف اسرائیل در آمد، اسرائیل را رسماً قدرت اشغالگر اعلام کرده و اظهار می کند که این کشور باید به قواعد و مقررات حقوق بین الملل بشردوستانه در سرزمینهای اشغالی پایبند باشد.

دیوان همچنین، لزوم رعایت حقوق بشر در فلسطین توسط اسرائیل را یادآور شده و بار د استدلال اسرائیل مبنی بر عدم حکومت حقوق بشر در زمان جنگ در مناطق اشغالی، اعلام می کند که برخی از قواعد حقوق بشر به هیچ وجه قابل تعلیق یا قابل اغماض نیستند و در هر شرایطی و در همه احوال باید مورد احترام باشند.

یکی از ویژگیهای رأی مشورتی دیوان در باره دیوار حائل این است که دیوان بر خلاف رویه خود، دلایل توجیهی و استدلال یک کشور (اسرائیل) را هم در باره صلاحیت دیوان و هم در مورد ماهیت سؤال به عمل آمده از آن رد کرد و به طور مستدل به هر یک از ادعاهای اسرائیل پاسخ داد.

با توجه به ماهیت برخی از تعهدات بین المللی نقض شده در اثر ساخت دیوار حائل، دیوان نه تنها تعهدات اسرائیل به توقف ساخت دیوار، تخریب بخشهای ساخته شده و جبران خسارات وارد شده به مردم فلسطین را اعلام می کند بلکه همچنین، به تعهدات دولتهای

دیگر اشاره می کند که طبق آن باید دولت اشغالگر (اسرائیل) را به رعایت تعهدات خود در سرزمینهای اشغالی وادار کنند.

مهم تر از همه، دیوان موجودیتی به نام ملت فلسطین را به رسمیت می شناسد که از حاکمیت و حق تعیین سرنوشت برخوردار است و از مجمع عمومی سازمان ملل درخواست می کند که بر تلاشهای خود برای تشکیل دولت فلسطین بیفزاید. دو جنبه های قابل انتقاد رأی مشورتی دیوان

علی رغم جنبه های بسیار مثبت رأی مشورتی دیوان دست کم در باره یک موضوع مهم رأی دیوان قابل تأمل است. دیوان با توجه به قطعنامه های شورای امنیت به ویژه قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷ م.) و موافقت نامه آتش بس ۱۹۴۹ م. بین اردن و اسرائیل در پایان جنگهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹، خط سبز را عملاً به عنوان یک خط مرزی پذیرفته و تنها سرزمینهایی را که در سال ۱۹۶۷ م. به تصرف اسرائیل در آمده، سرزمینهای اشغالی محسوب کرده است. در حالی که اگر مبنای تشکیل اسرائیل را قطعنامه ۱۸۱ (۱۹۴۷) مجمع عمومی بدانیم، طبق این قطعنامه حدود ۵۶ درصد سرزمین فلسطین به یهودیان تعلق گرفت؛ اما در جریان جنگهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹ م. اسرائیل حدود ۲۵ درصد دیگر از سرزمینهایی را که در قطعنامه تقسیم، به مردم فلسطین اختصاص یافته بود، اشغال کرد. در موافقت نامه آتش بس بین اردن و اسرائیل نیز به صراحت قید شده است که امضای این موافقت نامه هیچ گونه حق حاکمیتی را برای

طرفین در مورد سرزمینهای تصرف شده ایجاد نمی‌کند. پس از جنگ سال ۱۹۶۷م. و اشغال بقیه بخشهای فلسطین توسط اسرائیل، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷م.) خروج نیروهای نظامی اسرائیل را صرفاً از سرزمینهایی که در این جنگ اخیر اشغال کرده بودند، درخواست کرد. دیوان، رکن قضایی سازمان ملل، می‌توانست و بسیار مناسب بود از فرصت به دست آمده استفاده کند و در مورد وضعیت حقوقی سرزمینهایی که در سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۸م. توسط اسرائیل اشغال نظامی شده بوده، نیز اظهار نظر کند. با کمال تأسف دیوان با اینکه بیان می‌کند وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار را باید در یک چارچوب کلی تری ارزیابی شود، خط سبز را یک خط مرزی در نظر گرفت و به طور تلویحی از بررسی وضعیت حقوقی دقیق سرزمینهای اشغال شده در سالهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹م. امتناع کرد.

البته، پاسخ دیوان و شاید بیشتر حقوقدانان به انتقاد فوق مسلماً این خواهد بود که دیوان اصولاً به سؤالی که از آن شد، پاسخ می‌دهد و ملزم نیست در باره ابعاد دیگر موضوع بحث و اظهار نظر کند؛ اما دست کم در این رأی مشورتی، دیوان ابعاد مختلف مسئله فلسطین را، به ویژه اشغالی بودن این سرزمین، بررسی کرده است و علی‌رغم اشغال طولانی مدت سرزمینهای فلسطین توسط اسرائیل، دیوان به صراحت اظهار می‌کند حوادثی که از سال ۱۹۶۷م. در این سرزمینها واقع شده است، وضعیت اشغالی بودن آن را تغییر نداده است (رأی مشورتی دیوان، بند ۷۸). همین استدلال می‌تواند در مورد اشغالی بودن

سرزمینهایی که در جنگهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹م. توسط اسرائیل تصرف شده است، نیز صادق

باشد.

## یادداشتها

\* استادیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق (ع)  
[۱] منظور از «خط سبز» خط مرزی است که پس از جنگهای ۱۹۴۸-۱۹۴۹م. در

موافقتنامه‌ای بین اردن و اسرائیل توافق شد. البته، لازم به ذکر است که طرفین تأکید کردند که پذیرش این خط مرزی به معنای به رسمیت شناختن حق حاکمیت یا مالکیت هر یک از طرفین بر سرزمینهای تحت کنترل آنها نیست.

[۲]. گزارش جان دوگارد (John Dugard) در مورد وضعیت حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی از سال ۱۹۶۷م. با عنوان «موضوع نقض حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی عربی از

جمله فلسطین»:

Dugard John, “Question of the Violation of Human Rights in – the Occupied Arab Territories, including Palestine”, Report of the Special Reporter of the Commission on Human Rights, Doc. E/CN.4/ 2004/6, 8 sept. 2003, p. 9

[۳]. نظام نمایندگی مجموعه‌ای از حقوق و تکالیفی را برای دولت نماینده در قبال سرزمین مورد نظر به دنبال داشت که به نمایندگی از طرف جامعه ملل و با نظارت آن اعمال می‌شود. کیفیت و حدود این حقوق و تکالیف بر حسب میزان پیشرفت، موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقتصادی سرزمینهای مزبور فرق می‌کرد. بدین ترتیب، در بندهای ۴، ۵، ۶، ماده ۲۲ میثاق سه نوع نمایندگی مقرر شده است.

[۴]. بند ۴ ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل:

«پاره‌ای اقوام، که سابقاً جزو سلطنت عثمانی بوده‌اند، به درجه‌ای از ترقی نایل شده‌اند که

می‌توان آنها را موقتاً ملت مستقل شناخت؛ به شرط آنکه نصایح و کمک یک دولت قییم

راهنمای اداره آنها شود تا زمانی که خودشان لایق شوند به تنهایی خود را اداره کنند.

برای انتخاب دولت قییم تمایلات خود آن اقوام بدو باید در نظر گرفته شود».

[۵]. برای اطلاعات بیشتر در باره نظام نمایندگی انگلستان در فلسطین و وضعیت حقوقی

سرزمینهای اشغالی فلسطین رک. حبیب‌زاده، ۱۳۸۳.

[۶]. بند ۳ ماده ۵ قطعنامه مقرر می‌دارد:

«هیچ گونه تصرف ارضی یا امتیاز ویژه ناشی از تجاوز، قانونی شناخته نشده و نخواهد

شد».

[۷]. در این ماده آمده است:

«این کنوانسیون در باره هر گونه اشغال تمام یا قسمتی از سرزمین یکی از دول معظمه

متعاقد اجرا می‌شود ولو آنکه اشغال مزبور با هیچ گونه مقاومت نظامی مواجه نشده باشد».

[۸]. پس از اشغال کرانه باختری در سال ۱۹۶۷م، اسرائیل بخشنامه نظامی شماره ۳ را

تصویب و ابلاغ کرد که در ماده ۳۵ مقرر می‌دارد:



«دادگاه نظامی... در رسیدگیهای قضایی باید مقررات کنوانسیون ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹م. در باره حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ را اجرا کند. در صورت تعارض بین بخشنامه حاضر و کنوانسیون مزبور، کنوانسیون اولویت خواهد داشت» (رأی مشورتی دیوان، بند ۹۳).

[۹]. در این رأی آمده است:

«عملیتهای نظامی نیروهای دفاعی اسرائیل در رفح، در صورتی که اشخاص غیرنظامی را مورد هدف قرار دهد، تحت حکومت کنوانسیون چهارم لاهه در مورد قوانین و عرفهای جنگ زمینی ۱۹۰۷م. ... و کنوانسیون ژنو مربوط به حمایت از غیرنظامیان در زمان جنگ (۱۹۴۹م.) هستند» (به نقل از رأی مشورتی دیوان، بند ۱۰۰).

[۱۰]. بند ۱ ماده ۲ مشترک کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹م.:  
«... این کنوانسیون در صورت وقوع جنگی که رسماً اعلام شده باشد یا هر گونه درگیری نظامی که بین دو یا چند دولت از دول معظم متعاهد بروز کند، اجرا خواهد شد ولو آنکه یکی از دول مزبور وجود حالت جنگ را تصدیق نکند».

[۱۱]. البته بند ۲ ماده ۲ قلمرو اجرایی بند ۱ را تا حدودی محدود می کند و سرزمینهایی را که تحت حاکمیت یکی از اعضاء متعاهد نیستند، ظاهراً از شمول بند ۱ ماده ۲ کنوانسیون خارج می سازد. اما به نظر دیوان منظور از بند ۲ ماده مزبور این است که «ولو آنکه اشغال

نظامی در جریان یک مخاصمه مسلحانه واقع شود و با مقاومت مسلحانه‌ای مواجه نگردد، کنوانسیون قابل اجراست». دیوان تأکید می‌کند که این تفسیر، قصد و نیت نویسندگان کنوانسیون چهارم ژنو را بهتر منعکس می‌سازد؛ زیرا آنها قصد داشتند حمایت از اشخاص غیرنظامی را که به نحوی تحت سلطه قدرت اشغالگر قرار می‌گیرند، بدون توجه به وضعیت سرزمینهای اشغالی تضمین کنند (رأی مشورتی دیوان، بند ۹۵). دیوان همچنین اعلام می‌کند که کشورهای عضو کنوانسیونهای ژنو در کنفرانسی که ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹م. برگزار شد و همچنین، در دسامبر ۲۰۰۱م. این تفسیر از ماده ۲ مشترک را تأیید مجدد قرار داده و قابل اجرا بودن کنوانسیون چهارم ژنو را در سرزمینهای اشغالی فلسطین از جمله بیت‌المقدس شرقی مجدداً تأکید کردند (رأی مشورتی دیوان، بند ۹۶).

[۱۲]. در ماده ۵۲ مقررات لاهه اصل حرمت اموال خصوصی در سرزمینهای اشغالی به صورت زیر تخصیص یافته است:

«قدرت اشغالگر می‌تواند برای تأمین احتیاجات جنگی خود به مطالبه آذوقه، دام و وسایل نقلیه و غیره اقدام کرده و افراد غیرنظامی را مجبور به تحویل کند».

[۱۳]. طبق این ماده:

«هر کشور عضو این میثاق که در زمان امضای آن هنوز نتوانسته است در قلمرو اصلی خود یا دیگر سرزمینهای تحت حاکمیت خود آموزش و پرورش ابتدایی اجباری رایگان تأمین کند، متعهد می‌شود ظرف مدت دو سال یک طرح تفصیلی تدابیر لازم برای تحقق

تدریجی اجرای کامل اصل آموزش و پرورش اجباری رایگان برای عموم... تنظیم و تصویب کند».

[۱۴]. بعضی از قضات دیوان در نظرات مخالف و یا فردی خود از این روش دیوان

حمایت و بعضی دیگر از آن انتقاد کرده‌اند. قاضی هیگینز از این روش دیوان که تنها

نقض مواد ۴۹ و ۵۳ چهارمین کنوانسیون ژنو و مواد ۴۶ و ۵۲ مقررات لاهه را اعلام

می‌کند، حمایت می‌کند (بند ۲۴). اما قاضی کوژیمنز اعلام می‌کند:

«من از این دیدگاه دیوان که اسرائیل با ساخت دیوار و ترتیبات مربوط به آن تعهدات خود

به موجب برخی مقررات (اسناد بین‌المللی قابل اجرا) را نقض کرده است، حمایت می‌کنم

(اما...) متأسفم از اینکه خلاصه یافته‌های دیوان... فهرست مقرراتی را که نقض گردیده‌اند،

در بر ندارد» (بند ۲۹).

[۱۵]. طبق گزارشی که در مورد وضعیت حقوق بشر در مناطق فلسطینی توسط گزارشگر

ویژه کمیسیون حقوق بشر در تاریخ ۱۵ مارس ۲۰۰۰م. ارائه شد:

«اسرائیل از سال ۱۹۶۷م. حدود ۶۰ درصد از کرانه باختری، ۳۳ درصد نوار غزه و تقریباً

۳۳ درصد از زمینهای فلسطینیان در بیت‌المقدس را برای استفاده عمومی، نیمه‌عمومی و

خصوصی توقیف ساخته است که از این راه مناطق نظامی، شهرکها و مناطق صنعتی به

وجود آورد، بر جاده‌های کمربندی و افراد مظنون نظارت دقیق تری داشته باشد و از

«زمینهای دولتی» تنها برای اسرائیل استفاده کند... اسرائیل ۱۹ شهرک در غزه، ۱۵۸

شهرک در کرانه باختری و دست کم ۱۶ شهرک در بیت المقدس اشغالی ایجاد کرده است. نیروهای اشغالگر اسرائیل بارها تخریب تنبیهی و شدیدی را در مورد خانه‌های فلسطینیان که فاقد مجوز هستند و همچنین، تخلیه اجباری کل روستاها به اجرا در آورده‌اند. از سال ۱۹۸۷م. ۱۶۷۰۰ فلسطینی (از جمله ۷۳۰۰ کودک) به همین شیوه خانه‌های خود را از دست داده‌اند. اسرائیل در سال ۱۹۹۹م. ۳۱ خانه فلسطینیان را در بیت المقدس و ۵۰ خانه در کرانه باختری را تخریب کرده است» (سازمان ملل متحد، فلسطین و سازمان ملل متحد، ۱۳۸۳، صص ۹۳-۹۴).

[۱۶]. گزارش کمیته ویژه تحقیق در تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۰۳م. به مجمع عمومی (A/58/311, 22 août 2003, par. 26):

در دسامبر سال ۱۹۶۸م. مجمع عمومی یک کمیته ویژه تحقیق سه نفره در باره فعالیت‌های مؤثر اسرائیل بر حقوق بشر مردم فلسطین و دیگر اعراب سرزمین‌های اشغالی تشکیل داد و از آن خواست که گزارش‌هایی را در زمان مقتضی در باره اقدامات اسرائیل ارائه کند. از سال ۱۹۷۰م. کمیته ویژه گزارش‌های سالیانه‌ای را به مجمع عمومی ارائه کرده است (سازمان ملل، فلسطین و سازمان ملل متحد، ص ۶۴).

[۱۷]. البته قاضی بورگنتال (Burgental) که با تمامی بندهای رأی دیوان مخالفت کرده است، در نظر مخالف خود اظهار داشته است این امر که اسرائیل بر سرزمین‌های اشغالی

فلسطین اعمال کنترل می کند و اینکه حملات مورد نظر اسرائیل از داخل این سرزمینها نشئت می گیرند، موضوع چندان مهمی نیست. از آنجا که دیوان، «خط سبز» را خط مرزی بین اسرائیل و سرزمین اشغالی فلسطین پذیرفته است، سرزمینی که حملات فلسطینیان از آن صورت می گیرد، بخشی از سرزمین و قلمرو خاص اسرائیل محسوب نمی شود؛ بنابراین، باید به اسرائیل این امکان داده شود که بتواند در برابر حملات صورت گرفته از آن طرف خط سبز از خود دفاع کند (اعلامیه قاضی بورگنتال، خلاصه نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، ص ۵۰). قاضی کوژیمانز (Koojimans) نیز با اشاره به تحولات جدید در مورد قاعده دفاع مشروع عنوان کرده است که دیوان به قاعده دفاع مشروع، آن گونه که در قطعنامه های شورای امنیت تعریف و تبیین شده است، توجه نکرده است. در این قطعنامه ها حملات، به یک دولت خاص نسبت داده نشده است (نظر جداگانه قاضی کوژیمانز، خلاصه نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، ص ۴۷).

کتابنامه

۱. کتب و مقالات فارسی

- حبیب زاده، توکل (۱۳۸۳). «پایان نظام نمایندگی انگلستان در فلسطین و شکل گیری رژیم صهیونیستی». همایش فلسطین از منظر حقوق بین الملل. شهر کرد: دانشگاه شهر کرد، مهر ماه.

- دیوان بین المللی دادگستری، خلاصه نظر مشورتی دیوان بین المللی دادگستری. ترجمه دکتر حسین طالقانی و دکتر سیرالله مرادی. همایش فلسطین از منظر حقوق بین الملل. شهر کرد: دانشگاه شهر کرد، مهرماه ۱۳۸۳.

- زمانی، سید قاسم (۱۳۸۰). حقوق بشردوستانه بین المللی: اشغال سرزمینهای ایران در جنگ تحمیلی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، پژوهشکده حقوق، انتشارات شهر دانش.

- سازمان ملل متحد (۱۳۸۳). فلسطین و سازمان ملل متحد. ترجمه مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه. تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران.

- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

- ممتاز، جمشید (۱۳۸۳). «آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی». تهران: سخنرانی در مرکز مطالعات حقوق بشر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، مهر ماه.

- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین (۱۳۸۴). حقوق بین الملل بشردوستانه. مشخصات مسلحانه داخلی. کمیته ملی حقوق بشر دوستانه. تهران: نشر میزان.

- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۲). اعلامیه های حقوق بشر. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).

- ویکتور دوکورا - لوگو (۱۳۸۲). «مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمینهای اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه». ترجمه سید حسین سادات میدانی.

مجله پژوهشهای حقوقی. ش ۴، ۱۳۸۲، صص ۷۷-۱۰۵.

۲. کتب و مقالات لاتین

Amnesty International, « Israël et Territoire occupé. Le mur - barrière et le droit international », Document public, Index AI:MDE 15 /016/2004, Londres, février 2004, [www.amnestyinternational.org](http://www.amnestyinternational.org).

.Bothe, M., "Occupation, Belligerent", EPIL 1982, vol.4 p. 64 -

Gasser, H. P., « Protection of the Civilian Population », in - Dieter Fleck, The Handbook of Humanitarian Law in Armed Conflict, Oxford, 1975

KOHEN Marcelo, G., « Le 'Mur' à l'épreuve du droit - international », Le Figaro, 23 fév. 2004

ABI-SAAB Rosemary, « Conséquences juridiques de - l'édification d'un mur dans le territoire palestinien occupé : quelques réflexions préliminaires sur l'avis consultatif de la Cour International de Justice », IRRC september 2004, vol. 86, n 855. pp. 634-657

Nguyen Quoc Dinh et al., Droit International Public, L.G.D.J., –  
1992, 4e ed

۳. اسناد بین المللی

۱-۳. رویه قضایی دیوان بین المللی داد گستری

Activités militaires et paramilitaires au Nicaragua et contre –  
celui-ci (Nicaragua v. Etats-Unis), arrêt, 27 juin 1986, CIJ. Rec.  
1986, p. 14

Barcelona Traction, Light and Power Company –  
(Belgique/Espagne), arrêt, 5 fév. 1970, CIJ. Rec. 1970, p. 3

Conséquences juridiques pour les Etats de la présence continue –  
de l’Afrique du Sud en Namibie (Sud-Ouest africain) nonobstant  
la résolution 276 (1970) du Conseil de sécurité, avis consultatif,  
21 juin 1971, CIJ. Rec. 1971, p. 16

Conséquences juridiques de l’édification d’un mur dans le –  
territoire palestinien occupé, avis consultatif, 9 juillet 2004, CIJ.  
Rec. 2004

Licéité de la menace ou de l’emploi d’armes nucléaires, avis –  
consultatif, 8 juillet 1996, CIJ. Rec. 1996



Personnel diplomatique et consulaire des Etats-Unis à Téhéran –  
(Etats-Unis v. République Islamique d’Iran), arrêt, 24 mai 1980,  
.CIJ. Rec. 1980, p. 3

Timor oriental (Portugal c. Australie), Arrêt, 30 juin 1995, CIJ. –  
.Rec. 1995

.Usine de Chorzow, arrêt, 13 sept. 1928, C.P.I.J., série A, n° 17 –

۲-۳. اسناد سازمان ملل متحد

– قطعنامه‌های مجمع عمومی:

A/ES-10/13 (2003) ; A/ES-10/14 (2003) ; A/ES-10/15 (2003) ; –  
; A/ES-10/PV. 23

– گزارش کمیته تحقیق به مجمع عمومی در باره آثار فعالیتها و اقدامات اسرائیل بر حقوق  
بشر مردم فلسطین و سایر اعراب سرزمینهای اشغالی

.A/58/311, 22 août 2003

– قطعنامه‌های شورای امنیت:

.RES/S/ 242 (1967) ; RES/S/338 (1973) ; S/PV. 4841 –

– گزارش دبیر کل:

UN General Assembly, “Report of the Secretary-General –  
prepared pursuant to General Assembly resolution ES-10/13”,

Doc. A/ES-10/248, 24 nov. 2003 ; Doc. A/RES/ES-10/14  
(2003).

۳-۳. گزارشات و اسناد بین‌المللی دیگر

- ملاحظات نهایی کمیته حقوق بشر در مورد نقض حقوق بشر در سرزمینهای اشغالی :

UN Doc. CCPR /C/79/Add. 93, Israël, 18 août 1998; UN Doc. -  
CCRP /C/78/ISR, 21 aout 2003

- گزارش آژانس آوارگان جنگی سازمان ملل:

UNRWA, Appel d'urgence du 12 déc. 2003 et Special Report -

on the West Bank Barrier , [ww.un.org/unrwa/emergency/barrier](http://ww.un.org/unrwa/emergency/barrier)

- کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷.

- میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶؛

- میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶